

۱۵۲۸۴۵۵

آیین دادرسی تعزیرات حکومتی

دکتر امید رستمی غازانی
مدرس دانشگاه

با دیباچه
دکتر غفرانبا جمشیدی
عضو هیات علمی دانشگاه



عنوان قراردادی : ایران. قوانین و احکام - Iran. Laws, etc
عنوان و نام‌پدیدآور : آیین دادرسی تعزیرات حکومتی / امید رستمی
غازانی؛ با دیباچه علیرضا جمشیدی.
مشخصات نشر : تهران: نشر میزان، ۱۳۹۶
مشخصات ظاهری : ۲۴۰ ص.

شابک : 978-964-511-929-2
وضعیت فهرست‌نویسی : فیا.

موضوع : حقوق جزا -- ایران Criminal Law -- Iran
روضوع : آیین دادرسی -- ایران Procedure (Law) -- Iran
شماره افزوده : رستمی غازانی، امید، ۱۳۶۴
شناسه افزوده : جمشیدی، علیرضا، ۱۳۴۱ - دیباچه
رده‌بندی کنگ : ۱۳۹۶ ط ۳۷۹۴ KMH
رده‌بندی ی‌ریب : ۳۴۵/۵۵
شماره کتابشناسی ملی : ۴۸۹۶۲۸۳

هرگونه تکثیر (اعم از چاپ، کپی، فایده الکترونیکی و...) از این اثر بدون اخذ مجوز
از ناشر خلاف قانون بوده و پیگرد قانونی دارد.
لطفاً در صورت مشاهده، موارد را به شما، تلفن‌های ذیل اطلاع دهید.

۱۱۳۰

نشر میزان
آیین دادرسی تعزیرات حکومتی
دکتر امید رستمی غازانی
چاپ اول: پاییز ۱۳۹۶
قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان
شماره: ۵۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۱-۹۲۹-۲

دفتر مرکزی: خ شهید بهشتی، بعد از چهارراه سهروردی، خ کاووسی‌فر، کوچه نکبسا، پلاک ۳۲، تلفن ۸۸۵۴۹۱۳۱
فروشگاه مرکزی: خ انقلاب، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، ابتدای خ فخرآزی، پلاک ۸۳، تلفن ۶۶۴۶۷۷۰
واحد پخش و فروش: خیابان سمیه، بین مفتح و فرصت، پلاک ۱۰۴، تلفن ۸۸۳۴۹۵۲۹-۳۱
پست الکترونیکی: mizannasher@yahoo.com وب سایت: www.mizan-law.ir

فهرست مطالب

۱۱	دیباچه
۱۵	مقدمه
۱۹	فهرست آلات اختصاری
۲۱	فصل اول - صلاحیت شعب تعزیرات حکومتی
۲۱	مبحث اول - تخلفات در صلاحیت شعب تعزیرات حکومتی
۲۲	گفتار اول - قانون تعزیرات حکومتی
۲۹	گفتار دوم - قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی
۳۴	گفتار سوم - قانون نظام صنفی کشور
۴۵	گفتار چهارم - قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان
۴۹	گفتار پنجم - آیین‌نامه تعزیرات حکومتی گندم، آرد و نان
۵۲	گفتار ششم - قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز
۶۱	مبحث دوم - صلاحیت ذاتی و محلی شعب تعزیرات حکومتی
۶۲	گفتار اول - شعب بدوی
۶۳	بند اول - شعبه بدوی تعزیرات حکومتی
۶۵	بند دوم - هیأت بدوی
۶۸	بند سوم - شعبه بدوی ویژه قاچاق کالا و ارز
۶۹	گفتار دوم - شعب تجدیدنظر
۷۰	بند اول - شعبه تجدیدنظر تعزیرات حکومتی

- ۷۰ بند دوم - هیأت تجدیدنظر
- ۷۱ بند سوم - شعبه تجدیدنظر ویژه قاچاق کالا و ارز
- ۷۲ بند چهارم - شعبه عالی
- ۷۶ گفتار سوم - استثنائات صلاحیت محلی
- ۷۶ بند اول - صلاحیت اضافی
- ۷۷ الف - رسیدگی به اتهامات متعدد متهم
- ۷۹ ب - رسیدگی به اتهامات متهمین متعدد
- ۸۰ د - رسیدگی به اتهام در مراجع مرکز استان یا کشور
- ۸۱ د - سوم - احاله
- ۸۳ گفتار چهارم - رد درس
- ۸۶ مبحث سوم - تعارض صلاحیت
- ۸۶ گفتار اول - تعارض صلاحیت بین شعب تعزیرات حکومتی و مراجع قضایی
- ۸۹ بند اول - دادرسی دادگاه و نه داری حائیت
- ۹۲ بند دوم - دادگاه انقلاب
- ۹۴ بند سوم - دادگاههای کیفری ۱ و ۲
- ۹۹ بند چهارم - دادگاه اطفال و نوجوانان
- گفتار دوم - تعارض در صلاحیت بین شعب تعزیرات حکومتی و مراجع شبه قضایی
- ۱۰۰ بند اول - اتاق اصناف شهرستانها و اتحادیهها
- ۱۰۴ بند دوم - شورای رقابت
- ۱۰۴ بند سوم - مراجع صالح برای رسیدگی به تخلفات صنوف دارای قانون خاص
- ۱۰۶ الف - مؤسسات و تأسیسات گردشگری
- ۱۰۶ ب - مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی غیردولتی
- ۱۰۸ ج - بانکها و مؤسسات اعتباری
- ۱۰۹ د - شاغلین صنف دامپزشکی و مهندسی کشاورزی
- ۱۱۴ گفتار سوم - تعارض در صلاحیت بین شعب تعزیرات حکومتی

فصل دوم - نحوه رسیدگی در شعب تعزیرات حکومتی ۱۱۷

- مبحث اول - مقررات حاکم بر دادرسی شعب تعزیرات حکومتی ۱۱۷
- گفتار اول - آیین نامه سازمان تعزیرات حکومتی ۱۱۸
- بند اول - قلمرو کاربرد آیین نامه سازمان تعزیرات حکومتی ۱۲۰
- بند دوم - جایگاه حقوقی آیین نامه سازمان تعزیرات حکومتی ۱۲۱
- گفتار دوم - قوانین آیین دادرسی ۱۲۵
- بند اول - مصرحات رجوع به قوانین دادرسی ۱۲۵
- بند دوم - بدگاه پیرامون رجوع به قوانین دادرسی ۱۲۸
- الف - امکان رجوع مطابق به قوانین دادرسی ۱۲۸
- ب - عدم امکان رجوع مطابق به قوانین دادرسی ۱۳۱
- ج - رجوع موردی به قوانین آیین دادرسی ۱۳۴
- مبحث دوم - نحوه رسیدگی در شعب بدوی ۱۳۹
- گفتار اول - جهات شروع به رسیدگی ۱۳۹
- بند اول - گزارش مأمورین سازمان حمایت مصرف کنندگان و تولیدکنندگان ۱۴۰
- بند دوم - گزارش سازمان بازرسی کل کشور و سایر مراجع قضایی و دولتی و انتظامی ۱۴۳
- بند سوم - شکایت اشخاص حقیقی و حقوقی ۱۴۵
- بند چهارم - اعلام اطلاعات، اخبار، گزارش های مردمی و اشخاص ۱۴۸
- گفتار دوم - جهات سقوط دعوای تعزیراتی ۱۵۰
- بند اول - جهات عینی سقوط دعوای عمومی ۱۵۰
- الف - نسخ قانون ۱۵۱
- ب - اعتبار امر مختوم ۱۵۱
- ج - مرور زمان ۱۵۸
- بند دوم - جهات شخصی سقوط دعوای عمومی ۱۶۱
- الف - فوت متهم ۱۶۱

- ب - شمول عفو ۱۶۲
- ج - توبه ۱۶۳
- د - گذشت شاکی خصوصی ۱۶۴
- ه - جنون ۱۶۶
- گفتار سوم - انجام تحقیق ۱۶۷
- بند اول - تحقیق از متهم ۱۶۷
- الف - صدور اخطاریه نسبت به متهم ۱۶۷
- ب - صدور قرار تأمین ۱۷۱
- ج - حقوق دفاعی متهم ۱۷۳
- بند دوم - تحلیف از شاکی ۱۷۷
- بند سوم - نحوه از نابطان و بازرسان ۱۸۲
- بند چهارم - اسرار نباید در انجام تحقیقات ۱۸۶
- گفتار چهارم - صدور رای ۱۸۷
- مبحث سوم - نحوه رسیدگی مجدد ۱۸۹
- گفتار اول - واخواهی ۱۹۰
- گفتار دوم - تجدیدنظرخواهی ۱۹۱
- بند اول - آراء قابل تجدیدنظر ۱۹۱
- بند دوم - اشخاص دارای حق تجدیدنظر ۱۹۴
- بند سوم - نحوه رسیدگی در مرحله تجدیدنظر ۱۹۶
- گفتار سوم - اعاده دادرسی ۲۰۰
- بند اول - شرایط اعمال تبصره ماده ۲۳ آییننامه تعزیرات حکومتی ۲۰۱
- بند دوم - نحوه رسیدگی در شعبه عالی ۲۰۳
- گفتار چهارم - اعتراض در دیوان عدالت اداری ۲۰۶
- بند اول - مبانی حقوقی اعتراض در دیوان عدالت اداری ۲۰۷
- بند دوم - نحوه رسیدگی در شعب دیوان عدالت اداری ۲۱۱

فصل سوم - اجرای آرای شعب تعزیرات حکومتی ۲۱۳

گفتار اول - اجرای احکام کیفری ۲۱۴

گفتار دوم - اجرای احکام محکومیت به جزای نقدی ۲۱۵

گفتار سوم - اجرای احکام مدنی ۲۲۱

در خاتمه ۲۲۳

منابع و مآخذ ۲۳۱

کتابنامه ۲۳۳

مقدمه

سازمان تعزیرات حکومتی به عنوان یک مرجع شبه قضایی با عمری بیش از دو دهه و رسیدگی سالانه به صدها هزار پرونده یکی از تجربیات عمده در عرصه قضازدایی محسوب می‌شود. این سازمان متعاقب تصویب ماده واحده قانون اصلاح قانون تعزیرات - نومن در سال ۱۳۷۳ ایجاد شد و در طول بیش از دو دهه با فراز و نشیب‌های فراوان در فعالیت نمود و پرو بوده است. این سازمان در برخی از زمان‌ها به عنوان نهادی تنظیم‌گر در عرصه فعالیت‌های اقتصادی و در برخی از زمان‌ها به عنوان سازمانی مختل فعالیت‌های آزاد اقتصاد، مطرح شده است. رویکردهای افراطی و تفریطی در خصوص مبانی تشکیل و کاربردهای این سازمان سبب گردیده است که در مباحثات صورت گرفته کمتر با رویکردی بی‌طرفانه به مطالعه این نهاد پرداخته شود و همین موضوع سبب شده است که بعضاً در کارکردهای آن غلو شده و یا در مقابل نقطه ضعف‌های آن به عنوان اهرمی جهت اعمال فشار در جهت انحلال این سازمان و یا کاهش حدود صلاحیت‌های آن بکار رود.

از حیث مبانی تأسیس این سازمان بعضاً با ایرادات گسترده‌ای مواجه می‌شود، مغایرت با اصل تفکیک قوا و مغایرت با تمرکز امور قضایی در قوه قضاییه از جمله مهم‌ترین این ایرادات می‌باشد. بر این اساس، واگذاری رسیدگی به تخلفات اقتصادی به سازمان تعزیرات حکومتی معلول ضرورت حاصل از شرایط بحرانی اقتصادی پس از هشت سال جنگ تحمیلی عراق علیه ایران دانسته شده است که با انقطاع ضرورت، رجوع به اصل و واگذاری رسیدگی به این تخلفات به قوه قضاییه وجود دارد. لیکن باید توجه داشت که ایرادات پیش گفته با توجه به مباحثات نوین، بالاخص در حوزه‌های سیاست جنایی محل تردید اساسی است.

پاسخ تفصیلی به ایرادات فوق خارج از مجال این بحث بوده و در مجالی دیگر مورد بررسی قرار خواهد گرفت، لیکن به همین میزان اکتفاء می‌شود که امروزه برداشت ساری و جاری از اصل تفکیک قوا، تفکیک به نحو مطلق پذیرفته نبوده و علاوه بر آنکه

هر یک از قوا در تعامل مستمر با دیگر قوا می‌باشند، هر یک از قوا ممکن است وجوهی از وظایف و اختیارات ذاتی دیگر قوا را پیاده نمایند. به عنوان نمونه اختیارات قوه مجریه در زمینه وضع آیین‌نامه می‌تواند در این راستا تبیین شود. یکی دیگر از نمودهای این امر می‌تواند خود را در قالب تشکیل مراجع شبه قضایی در درون قوه مجریه نشان دهد، امری که امروزه تحت عناوینی چون «جرم‌زدایی»، «کیفرزدایی» و «قضازدایی» به عنوان یکی از راهبردهای مهم در حوزه سیاست جنایی کشورهای مختلف مطرح می‌شود؛ راهکارهایی که در راستای کارایی بخشی به نظام قضایی مبتلا به تعارض منافع بکار می‌رود. در این راستا با تفویض رسیدگی موارد غیر مهم به مراجع شبه قضایی، نظام قضایی در راستای رسیدگی به دعاوی و جرایم مهم چابک‌سازی می‌شود. رسیدگی تخلفات اقتصادی در سازمان تعزیرات حکومتی نیز می‌تواند به عنوان مصداقی از این تحولات قابل طرح و بررسی باشد.

روزگاری در راستای تفهیم حقوق اشخاص تأکید بر تمرکز امور قضایی در قوه قضاییه بود. «مرجع رسمی تظلمات و شکایات، دادگستری است.» (ماده ۱۵۹ قانون اساسی) این تمرکز امروزه نه به معنای رسیدگی انحصاری تمامی دعاوی در قوه قضاییه بلکه به معنای رسیدگی حسب مورد توسط دادگاه‌های دادگستری و یا رسیدگی مراجع شبه قضایی و اعمال نظارت توسط دادگاه‌های دادگستری است؛ بنابراین رسیدگی ابتدایی در شعب تعزیرات حکومتی و قابلیت اعتراض به آرای قطعی صادره از آنها حسب مورد در دیوان عدالت اداری و یا دادگاه‌های عمومی حقوقی مانع از آن می‌شود که رسیدگی در تعزیرات حکومتی را مغایر با تمرکز امور قضایی در قوه قضاییه دانست. علاوه بر این، نباید از تفاوت بین «تخلف» و «جرم» غافل بود؛ مدتی که علاوه بر مباحث نظری، امروزه در برخی از مقررات قانونی نیز خود را جلوه‌گر نموده است. آنچه که در صلاحیت شعب تعزیرات حکومتی است، «تخلف» و نه «جرم» می‌باشد. البته در این مورد دو آسیب عمده وجود دارد: نخست آنکه برخی از موضوعات در صلاحیت شعب تعزیرات حکومتی نه تخلف بلکه جرم می‌باشد و حتی در برخی از موارد مجازات حبس برای آن پیش‌بینی شده است (مانند ماده ۱۸ قانون تعزیرات حکومتی) و دوم آنکه، در برخی از موارد هر چند موضوع در صلاحیت شعب تعزیرات حکومتی عنوان تخلف دارد، لیکن فرایند رسیدگی به آن مشابه رسیدگی‌های کیفری

است (مانند تخلفات قاچاق کالا و ارز مقرر در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز) که این امر به معنای درک نادرست قانون‌گذار از مفهوم قضازدایی است. کتاب پیش‌رو گامی هر چند کوچک در راستای تبیین مقررات دادرسی حاکم بر فرایندهای رسیدگی در شعب تعزیرات حکومتی است که البته ضروری است پیش از مطالعه چند نکته مورد توجه قرار گیرد:

اول آنکه، این کتاب با رویکرد کاربردی نگارش یافته است و از این‌رو در آن از پرداختن به مباحث نظری تعزیرات حکومتی و یا موضوعات و مباحثی که جنبه تاریخی دارد اجتناب شده است.

دوم آنکه مفروض نگارنده آن است که خواننده این کتاب با مقررات دادرسی‌های مدنی و کیفری آشنا است. از این‌رو در مواردی که مقررات عام دادرسی مدنی و یا کیفری در شعب تعزیرات حکومتی جاری و جاری است، به اشاره مختصر به آنها بسنده شده و از تفصیل مطالب اجتناب شده است و از این‌رو در صورت نیاز، خوانندگان می‌توانند با رجوع به قوانین و مقررات مربوطه و یا کتاب‌های مرتبط اطلاعات لازم را به دست آورند.

سوم آنکه، با توجه به اینکه موضوعات در صلاحیت شعب تعزیرات حکومتی را می‌توان به تخلفات موضوع قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و دیگر تخلفات تقسیم نمود و مقررات حاکم بر فرایندهای دادرسی این دو گروه از تخلفات تفاوت‌های عمده‌ای با یکدیگر دارند، مباحث کتاب اصولاً ناظر به تخلفات اخیر است، مگر در جایی که صراحتاً به دادرسی تخلفات موضوع قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز نیز اشاره شده باشد.

چهارم آنکه، مقررات حاکم بر دادرسی هیأت‌های صنفی موضوع تبصره ۲ ماده ۷۲ قانون نظام صنفی کشور جز در موارد استثناء مشابه شعب تعزیرات حکومتی است، فلذا در مواردی که در کتاب به آیین دادرسی شعب تعزیرات حکومتی اشاره شده است، جز در موارد تصریح شامل هیأت‌های مذکور نیز می‌شود.

در پایان لازم می‌دانم که از تمامی کسانی که اینجانب را در نگارش این کتاب یاری رساندند تقدیر و تشکر به عمل آورم. در این راستا از آقایان دکتر امیرحسین نیازپور (عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی)، غلامرضا قلی‌پور (دانشجوی دکترای حقوق

کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی)، عباس نصیری (معاون دفتر امور حقوقی سازمان تعزیرات حکومتی)، فرشاد باقری (دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه مفید)، عبدال عارفی‌نیا (دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی) و پوریا موسوی (دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه مفید) به جهت مساعدت در ارائه نکات ارزنده در جهت اصلاح و تکمیل مطالب تقدیر و تشکر به عمل می‌آید. همچنین می‌بایست تقدیر و تشکر ویژه از جناب آقای دکتر علیرضا جمشیدی داشته باشیم؛ چرا که ایشان در دوران ریاست خود بر سازمان تعزیرات حکومتی افق‌های نوینی را پیش‌روی این سازمان گشودند که امید است بعد ایشان استمرار یابد و علاوه بر این مشوق اینجانب در نگارش این کتاب بودند. همچنین از مدیریت محترم بنیاد حقوقی میزان، جناب آقای دکتر عباس شیرینی، همکاران محترم ایشان که چاپ و انتشار این مجموعه را بر عهده داشته‌اند، سپاسگزاری می‌نمایم.

این اثر نیز به مانند دیگر آثار بشری مصون از ایراد و اشکال نیست، نگارنده از خوانندگانی که نقدی بر مطالب کتاب دارند و منت باشند پیشاپیش قدردانی خود را اعلام نموده و آماده پذیرش آن در جهت اصلاح در چاپ‌های بعدی کتاب است. در این راستا عزیزان می‌توانند مطالب خود را به رایانامه roostamighazani@shahrooz.ac.ir ارسال نمایند.

امید رستمی غازی

دانش‌آموخته دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی

از دانشگاه تهران